

ردیف الف - باب هفدهم: ایران

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از آثار حضرت عبدالبهاء - مائده آسمانی، جلد ۵، صفحه ۴۴ - ۴۶

ردیف الف - باب هفدهم: ایران

حضرت عبدالبهاء میفرماید قوله الاحلی:

لندن بواسطه میرزا لطف الله حکیم علیه بهاء الله الاهی
جناب مستر بهروز عضو مجمع علمی لغوی مصری و مدرس آثار قدیم ایران.

هو الله

ای رفیق مهربان، نامه که بتاريخ ۲۲ آپریل ۱۹۱۹ از لندن مرقوم نموده بودی رسید ولی مکتوب پیش بجهت مغشوشی راه و عدم انتظام برید وصول نیافت البتّه نسخه ثانی اشعار را ارسال دارید این آواره بنفوس عادی ایران تعلق تام دارم تا چه رسد بمثل شما که فی الحقیقه خدمت بایران بلکه بعموم عالم انسانی مینمائید بناء علیه بسیار مشتاق دیداریم هر وقت بخوشی و آسانی سفر میسر گردد تشریف آوردن شما البتّه از برای ما نهایت روح و ریحانست مرقوم نموده بودید که سبب عدم جواب بعضی گفتند که چون بفارسی مرقوم نموده بودید این بود و یا اینکه بدوستی ایران مشهور شده‌اید ملاحظه نمائید کلامی بی مغزتر از این میشود اول آنکه لسان این آواره فارسی است بالطبع هر فرسی لسان خویش را دوست میدارد و از این گذشته الواح بسیاری از حضرت بهاءالله در نهایت بلاغت بفارسی صرف موجود با وجود این چگونه لسان فارسی غیر مقبول و ثانی آنکه حضرت بهاءالله و حضرت باب هر دو ایرانی بودند و بیست هزار سی هزار ایرانی در این سیل جانفشانی نمود و من نیز ایرانی هستم حتی با وجود اینکه شصت سال است که از ایران خارج شده‌ام هنوز راضی بآن نگشته‌ام که عادات جزئیّه ایرانی ترک شود بهائیان ایران را میپرستند نه همین حرف میزنند شما نظر بعمل کنید چه کار بقول دارید هزار خروار قول از غیرت و حمیت و مروّت و حمایت و فتوّت بیک فلس نیرزد لکن یک عمل جزئی بیک گنج روان ارزش دارد اما سفر شما بانگلستان این نیز از خوشبختی شما بود در آینده معلوم گردد مرقوم نموده بودید که امثال فدوی را در پیشگاه مبارک قدر و قیمتی نیست و عرائضشان را اهمّیت و وقری نه و حال آنکه امثال شما که فی الحقیقه خیرخواه دولت و ملتند و در نیک نامی ایران میکوشند و اهل دانشند چنین نفوسی را من از خویش و پیوند



ORIGINAL

خوش می‌شمارم باری اختصار نمائیم براستی می‌گوییم که من مشتاق دیدار تو هستم زیرا تو خدمت بایران و ایرانیان مینمائی و من از جمله ایرانیان هستم. و علیک التحیة و الثناء عبدالبهاء عباس.

و در سفرنامه جلد اول مسطور است:

فرمودند "خدا چه نعمتی بایرانیان عنایت فرمود ولکن قدر ندانستند اگر کفران ننموده بودند دولت ایران اول دولت میشد من بجماد علی میرزا نوشتم که اگر قصاص خون احباً کند و بعدل حکم نماید تأیید میرسد و الاً یفعل الله ما یشاء ولی نشنید باز بایران نوشتم که تا دولت و ملت مانند شهد و شیر آمیخته نگردد نجات و فلاح محال است ایران ویران شود و عاقبت امر منجر بمداخله دول متجاوره گردد" انتهى (ص ۱۶۸)